

درباره خدمات پرفسور رولن

وکیل و وظیفه شناس

پس از تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت ایران در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹، وبه دنبال روی کار آمدن دولت دکتر محمد مصدق در ۹ اردیبهشت ۱۳۳۰ قانون ۹ ماده‌ای اجرای ملی شدن صنعت نفت به تصویب مجلسین شورای ملی و سنا رسید. بر طبق همان قانون هیأتی تحت عنوان «هیأت مختلط» مرکب از از اعضای منتخب مجلس‌های شورای ملی و سنا برای خلع ید از شرکت انگلیسی و اداره امور شرکت ملی نفت ایران از سوی مصدق مأمور اجرای این کار شد.

به پیشنهاد دولت و تصویب هیأت مختلط، یک گروه سه نفره به عنوان هیأت مدیره موقت شرکت ملی نفت انتخاب شدند. بعد از انصراف دکتر محمود حسابی برای عضویت در این هیأت به پیشنهاد مهندس حسینی، دکتر مصدق مهندس مهدی بازرگان را به عنوان عضویت هیأت و رئیس هیأت خلع ید انتخاب کرد. اعضای هیأت روز ۱۹ خرداد ۱۳۳۰ در میان استقبال پرشور مردم وارد آبادان شدند و بلافاصله برای انجام مأموریت محوله اقدام کردند.

در سوی مقابل دولت بریتانیا از همان ابتدا برای مقابله با ملی شدن صنعت نفت و حفظ منافع سیاسی، اقتصادی خود به قیمت غارت منافع ملت ایران اقدامات توأمان و چندی را آغاز کرد.

دولت انگلستان در همان هنگامی که هیأت‌هایی را برای مذاکره به ایران اعزام می‌کرد، فعالیت‌های تبلیغاتی علیه ملی شدن نفت و نفوذ در صفوف رهبران و فعالان نهضت و ایجاد شکاف در صفوف ملت ایران را نیز به رهبری رابرت زینر در سفارت انگلستان در تهران کلید زد و همزمان با اعزام رزمناو موریشس و هشت فروند دیگر کشتی جنگی به خلیج فارس و پهلو گرفتن برخی از آنها در آبادان، محاصره دریایی خوزستان را آغاز کرد؛ در عین حال اقدامات حقوقی علیه ایران را نیز به شدت دنبال می‌کرد. دولت بریتانیا در چهار خرداد و شرکت نفت انگلیس در فردای آن روز به عنوان اقامه دعوا علیه اقدام ایران در ملی کردن شرکت نفت، دادخواستی به دیوان دادگستری لاهه تسلیم کردند.

از سوی دیگر در ۲۰ خرداد هیأتی به ریاست بازیل جکسون، نایب رئیس هیأت مدیره شرکت نفت انگلیس برای گفت و گو و در حقیقت برای منصرف ساختن مصدق از اجرای قانون ملی کردن نفت به ایران آمد. آن هیأت بعد از ناکامی از منصرف ساختن دکتر مصدق از دست برداشتن از اجرای قانون ملی شدن نفت، در روزهای پایانی خرداد تهران را ترک کرد.

دکتر مصدق روز ۳۰ خرداد طی گزارشی شکست مذاکرات را به اطلاع نمایندگان مجلس و مردم ایران رساند.

دولت انگلستان پس از شکست مذاکرات جکسون و در تعقیب شکایت از دولت ایران در ۳۱ خرداد، تقاضایی مبنی بر اقدامات تأمینی علیه دولت ایران تسلیم دفتر دیوان لاهه کرد.

دوم تیرماه ۱۳۳۰ دیوان لاهه به دولت ایران اطلاع داد که در تاریخ ۳۰ ژوئن (۸ تیر) برای رسیدگی به درخواست دولت انگلستان در باره اقدامات تأمینی علیه دولت ایران تشکیل جلسه خواهد داد.

به دنبال دریافت این خبر، دولت ایران ضمن اعلام عدم صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه پاسخی به دادخواست دولت بریتانیا تهیه و به دادگاه تسلیم کرد. هیأت اعزامی ایران که حامل این پاسخ بود، مأموریت داشت بدون شرکت در جلسه عمومی دادگاه پاسخ ایران را به استحضار قضات دادگاه برساند. سرانجام دیوان لاهه در ۱۵ تیر قرار موقت تأمینی را که به سود بریتانیا بود صادر کرد. به موجب این قرار، طرفین ملزم بودند تا اعلام تصمیم نهایی دادگاه از هرگونه اقدامی که به حقوق طرف مقابل لطمه وارد آورد خودداری کنند.

دیوان همچنین توصیه کرده بود که طرفین مراقبت باشند که هیچ گونه اقدامی به منظور ممانعت آزادانه بهره برداری صنعتی و بازرگانی شرکت نفت انگلیس و ایران به نحوی که قبل از اول ماه می ۱۹۵۱ عمل می‌کردند انجام ندهند. این قرار با اکثریت ۱۰ رأی از ۱۲ رای قضات دیوان صادر شد.

روز ۱۸ تیر وزارت خارجه ایران طی تلگرافی به دبیر کل سازمان ملل متحد به قرار صادره اعتراض کرد و آن را برخلاف حق حاکمیت ایران دانست. در تلگرام دولت ایران آمده بود: «قراردادهای ناشی از حقوق خصوصی و داخلی مانند امتیازنامه‌ها که دولت‌ها با اتباع خود و اتباع بیگانه برای بهره‌برداری از بعضی منابع ثروت یا امور تجاری دیگر منعقد می‌نمایند و همچنین اموری که مربوط به حق حاکمیت ایران و منحصرأ تابع قضاوت ایران است، از صلاحیت الزامی دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی سابق و دیوان بین‌المللی فعلی خارج بوده و هست» و به دنبال آن اعلام کرد که صلاحیت دادگاه را از این پس به رسمیت نمی‌شناسد: «چون دیوان از جاده عدالت خارج شده و اعتماد عمومی را نسبت به خود متزلزل ساخته، دولت ایران از این تاریخ اعلامیه مورخ

۲ اکتبر ۱۹۳۰ خود را راجع به قبول قضاوت اجباری دیوان مسترد می‌دارد».

طرح شکایت انگلستان علیه ایران در دادگاه لاهه در تابستان و پاییز دنبال شد. دیوان لاهه با توجه به ایراد ایران مبنی بر صلاحیت دادگاه، دولت انگلستان را موظف کرد تا پایان مارس ۱۹۵۲ (اواسط فروردین ۱۳۳۱) دلایل و مستندات خود را در اثبات ادعای خود به دیوان ارائه کند.

در همین دوران دکتر مصدق، حسین نواب، سفیر ایران در هلند را مأمور کرد تا با همکاری جلال عبده، یک متخصص در حقوق بین‌الملل را به عنوان وکیل ایران انتخاب کند تا وظیفه تهیه لایحه و دفاع از حقوق ایران در برابر دیوان لاهه را برعهده گیرد. نواب ابتدا به سراغ پرفسور ژرژ سل، استاد نامدار حقوق بین‌الملل در فرانسه رفت. ولی وی با عنوان کردن کسالت و به گفته حسین مکی زیر فشار دولت فرانسه یا به نوشته مهندس حسینی به دلیل عدم نظر مساعد دکتر مصدق نسبت به وی از قبول این مسئولیت سرباز زد. به دنبال آن نواب به سراغ یک حقوقدان سرشناس دیگر به نام پرفسور هانری رولن رفت که رولن با خشنودی مسئولیت پرونده را پذیرا شد.

جلسه رسیدگی به شکایت انگلستان در ۱۹ خرداد ۱۳۳۱ (۹ ژوئن ۱۹۵۲) برگزار شد. اعضای هیأت ایرانی که به ریاست دکتر مصدق در دادگاه حاضر شدند عبارت بودند از: مهندس کاظم حسینی، اللهیار صالح، کریم سنجابی، مظفر بقایی، دکتر محمد حسین علی آبادی، حسن صدر، عبدالحسین دانشپور و عیسی سپهبدی، که بعد از چند روز دکتر علی شایگان نیز به آنها اضافه شد.

پرفسور رولن که وظیفه تهیه لایحه و دفاع از ایران را برعهده داشت عضو دیگر هیأت ایرانی بود. او علاوه بر آن، وظیفه تهیه متن سخنرانی دکتر مصدق برای ایراد در دادگاه را برعهده داشت. همچنین حسین نواب سفیر ایران در هلند و نصرالله انتظام سفیر ایران در آمریکا نیز در لاهه و جلسات هیأت ایرانی شرکت داشتند.

به نوشته دکتر محمد علی موحد به نقل از مهندس حسینی و دکتر غلامحسین مصدق: «دکتر مصدق روی هم رفته از کار همراهان و مشاوران خود راضی نبود و ناخشنودی خود را پنهان نمی‌داشت.» حسینی در یادداشت مورخ ۹ خرداد ماه به این نکته اشاره می‌کند: «از گفتارشان بوی این می‌آید که از کار نکردن عده‌ای ناراضی هستند.» دکتر غلامحسین مصدق نیز از اعضای هیأت ایرانی چنین نام می‌برد: «بیشتر اعضای هیأت نمایندگی ایران سیاهی لشکر بودند به استثنای نواب، صالح و نواب و حسینی، بقیه دنبال گردش و تفریح و کارهای خصوصی می‌رفتند. حتی بعضی اوقات جمع آوری آنها در محل اقامتشان با اشکال مواجه می‌شد.» (خواب آشفته نفت - دکتر مصدق و نهضت ملی ایران - ۴۲۹)

جلسات دادگاه لاهه از ۱۹ خرداد تا دوم تیر ۱۳۳۱ به طول انجامید و دو طرف استدلالات خود را به طور مشروح مطرح ساختند. در این میان نقش پرفسور رولن در نحوه ورود به موضوع و طرح مسأله بسیار کارگشا بود. رولن در مقابل نظریه اولیه دکتر مصدق و هیأت همراه در خصوص مسأله اجباری بودن قرارداد داری و قرارداد ۱۳۱۲ که مصدق قصد داشت آن را علیه انگلستان در دادگاه مطرح سازد دکتر مصدق را قانع کرد که ورود به موضوع از این دریچه به ضرر ایران تمام خواهد شد. به نوشته دکتر سنجابی: «او (پرفسور رولن) به دکتر مصدق گفت ایراد و بحث درباره کراهی بودن قرارداد به منزله پذیرفتن صلاحیت و دعوت کردن دادگاه برای رسیدگی به اعتبار یا عدم اعتبار آن است و آن به هیچ وجه به صلاح شما نیست و نیازی هم به آن نیست... دکتر مصدق به کلی از آن صرف نظر کرد.» (امیدها و ناامیدی‌ها - ۱۱۷)

در جلسات دادگاه، پرفسور رولن وکیل ایران و سر اریک بکت، وکیل انگلستان بحث‌های مفصل حقوقی در اثبات نظرات خود انجام دادند. دادگاه بعد از شنیدن نظرات دو طرف در روز دوم تیر به کار خود پایان داد و به طرفین اعلام کرد که در روزهای آتی نظر خود را اعلام خواهد کرد.

مصدق و همراهانش روز دوم تیر به ایران مراجعت کردند. دکتر مصدق قبل از ترک هلند دستمزد ناچیز رولن را که ۱۵۰۰ لیره استرلینگ بود به وی پرداخت. این دستمزد با دستمزد ۳۰۰ هزار فرانکی که کسی همچون پرفسور ژیدل درخواست کرده بود قابل مقایسه نبود. به همین خاطر مصدق شش تخته قالیچه از هدایایی را که به هزینه خود تهیه کرده بود به رولن هدیه داد.

عصر ۳۰ تیر ۱۳۳۱ هنگامی که خیابان‌های تهران، کرمانشاه و... از خون شهدای قیام سی‌تیر رنگین شده بودند و دکتر مصدق با پایمردی مردم قهرمان ایران به نخست وزیری بازگشت، خبرگزاری‌ها اعلام داشتند که دیوان بین‌المللی با رد درخواست دولت انگلستان به نفع ایران رأی داده است.

استدلالات هیأت ایرانی که با راهنمایی‌های رولن تهیه و ارائه شدند آن قدر محکم و متین بودند که حتی قاضی انگلیسی دیوان نیز به نفع ایران رأی داد. دو پیروزی در یک روز، نتیجه ایستادگی و پایمردی مردم و ثمره شهیدان آن روز، درایت و دانش و میهن‌دوستی رهبران نهضت و شجاعت، انسانیت و دانش پرفسور رولن، حقوقدان برجسته بلژیکی بود.

فردای آن روز عده‌ای از شهروندان تهرانی از طریق حسین مکی از نمایندگان مجلس

درخواست کردند تا: «به پاس دفاع شجاعانه دانشمند محترم بلژیکی (پرفسور هانری رولن) در موضوع دعوی نفت در دیوان دادگستری لاهه از طرف دولت ملی جناب آقای دکتر مصدق یکی از خیابان‌های تهران به نام پرفسور نامبرده نامگذاری شود.» کمتر از دو ماه بعد از اعلام رأی دادگاه، شهردار تهران در روز پانزدهم شهریور ۱۳۳۱ خیابان موزه در تهران را به نام خیابان پرفسور رولن این نامگذاری کرد و با ارسال تلگرافی به پرفسور رولن این نامگذاری را به اطلاع ایشان رساند.

متن خبر روزنامه اطلاعات درباره این نامگذاری و تلگرام شهردار تهران به شرح زیر است: «ساعت هشت و نیم صبح امروز لوح مرموری که روی آن به خط زرین نام «خیابان پرفسور رولن» نقش شده بود در حضور آقای امینی کفیل شهرداری تهران، رؤسای محترم ادارات شهرداری و عده‌ای از محترمین در خیابان سابق موزه ایران به دیوار عمارت شرکت ملی نفت ایران نصب گردید.

این خیابان به نام «پرفسور رولن» نامگذاری شد.

سپس کفیل شهرداری به اتفاق مدعوین به انتهای خیابان یعنی مقابل موزه ایران باستان رفته و پرده از روی لوح دیگری که در انتهای خیابان نصب شده بود بر گرفت. در اثنای انجام این مراسم از طرف مردمی که در محل حضور داشتند ابراز احساسات شد.

آقای امینی هنگام پرده برداشتن از روی لوحه خیابان پرفسور رولن اظهار داشت: علت این که ما برای این خیابان پرفسور رولن را انتخاب کردیم این بود که در یک طرف خیابان شرکت نفت ملی ایران قرار دارد که آقای پرفسور رولن در دفاع از ایران در دیوان لاهه زحمات بی‌پایانی کشیدند و از طرف دیگر در انتهای این خیابان موزه ایران باستان قرار دارد که عظمت ایران را ثابت می‌کند و هر جهانگرد یا شخص مبرزی که به ایران بیاید از این خیابان عبور می‌کند. به همین جهت خوشوقتم که از طرف قاطبه اهالی ایران تلگرافی به آقای پرفسور رولن مخابره می‌کنیم.

سپس متن تلگراف از این قرار قرائت شد:

علامت شیر و خورشید

شهرداری تهران جناب آقای پرفسور رولن

گرچه مدافعات تاریخی که آن جناب در دادگاه لاهه از حق مقدس ملت ایران به عمل آوردید همیشه نام جنابعالی را در خاطر ایرانیان و حتی نسل‌های آینده این ملت حق‌شناس زنده و جاوید خواهد داشت، مع‌هذا امروز به پاس خدمت تاریخی جنابعالی در تهران، خیابانی به نام پرفسور رولن نامگذاری و لوحه مرمر آن از طرف شهرداری تهران نصب گردید. خواهشمند است تشکرات اهالی تهران را قبول فرمائید. شهردار تهران - نصرت‌الله امینی
آن گاه آقای مهندس رضوی، رئیس اداره پخش شرکت ملی نفت ایران اظهار داشت:

انشاءالله شرکت ملی نفت ایران با فروش نفت، این خیابان را یکی از بهترین خیابان‌های تهران خواهد نمود.

امیر طیرانی